



از مجموعه مقالات چین:

روابط اقتصادی اتحادیه اروپا-چین تا سال ۲۰۲۵؛ ساخت آینده‌ای مشترک

با افزایش رو به رشد نااطمینانی جهانی، یافتن راهی برای تعمیق همکاری‌های اقتصادی دوجانبه، برای اتحادیه اروپا و چین اهمیت یافته است. اتحادیه اروپا و چین، به عنوان دومین و سومین اقتصاد بزرگ دنیا، مسئولیت مشترکی در حمایت از سیستم تجارت جهانی آزاد و دیگر اشکال همکاری چندجانبه، به خصوص در مصاف با تغییر اقلیم دارند. این گزارش که در سال ۲۰۱۷ منتشر شده است؛ نتایج اصلی پروژه تحقیقاتی بین اندیشکده‌های اروپایی و چینی (بروگل، چاتم هاوس، مرکز مبادلات اقتصادی بین‌المللی چین و دانشگاه چینی هنگ کنگ) را ارائه می‌دهد که به چشم‌انداز روابط اقتصادی اتحادیه اروپا-چین تا سال ۲۰۲۵ می‌پردازد.

در مقدمه این مقاله آمده است:

اتحادیه اروپا و چین اشتراکات فراوانی دارند. تولید ناخالص داخلی آن‌ها (به ترتیب ۱۴.۷۲ و ۹.۷۵ تریلیون یورو در سال ۲۰۱۵) در جایگاه دوم و سوم و پس از ایالات متحده آمریکا (۱۶.۶۴ تریلیون یورو) قرار دارد. این دو، اقتصادهایی با بیشترین ادغام خارجی در سطح جهان هستند، به طوری که حجم سالانه تجارت بین‌المللی کالاها و خدمات در سال ۲۰۱۵ برای آن‌ها به ترتیب ۱۵ تریلیون یورو (۵ تریلیون یورو اگر تنها تجارت خارجی با اتحادیه اروپا در نظر گرفته شود) و ۴.۷۵ تریلیون یورو بوده است. تجارت سالانه دوجانبه کالا و خدمات این دو اقتصاد در سال ۲۰۱۵ در سطح ۵۸۰ میلیارد یورو بوده، به گونه‌ای که هر کدام از آن‌ها نسبت به دیگری به عنوان بزرگ‌ترین منبع واردات و دومین مقصد صادرات بوده است. رهبران اتحادیه اروپا و چین اعتقاد دارند که چندجانبه گرایی اثربخش مبتنی بر قواعد، باید هسته حکمرانی جهانی را تشکیل دهد. این دو همچنین از نظر امنیتی نیز با هم در رقابت نیستند.

در همین حال، ایالات متحده آمریکا در حال عقب‌نشینی از ایفای نقش رهبری در پشتیبانی از بازارهای جهانی گشوده‌تر است و نگرانی‌های عمیقی در سطح جهان درباره اثرات منفی جهانی شدن بر نابرابری درآمدی وجود دارد. این تغییرات کلی، برهه‌ای مهم را برای اتحادیه اروپا و چین رقم زده تا به تعمیق روابط اقتصادی دوجانبه خود از طریق افزایش تجارت و سرمایه‌گذاری، ارتقای همکاری در زمینه تغییرات اقلیمی، انرژی و محیط‌زیست، حاکمیت جهانی و همکاری در علوم، فناوری و نوآوری، زیرساخت و خدمات مالی، بیندیشند. این تلاش‌ها می‌تواند مزایای دوجانبه داشته باشد به پایدار شدن رشد اقتصادی کمک می‌کند، اشتغال ایجاد کرده و سطح رفاه اجتماعی را نه تنها در جوامع خود بلکه در سطح جهانی ارتقا می‌دهند.

تجارت کالا، قوه محرک روابط اقتصادی اتحادیه اروپا-چین بوده است. تجارت دوجانبه کالاها به طور میانگین سالانه

۱۴.۴ درصد بین سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۱ رشد نمود، گرچه این رشد بین سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۶ به ۳.۶ درصد کاهش یافت اما تجارت کالا از ابتدای سال ۲۰۱۷ دوباره افزایش یافته است. با برون‌رفت اتحادیه اروپا از بحران مالی طولانی‌مدت، و تعهد چین برای تثبیت نرخ رشد سالانه تولید ناخالص داخلی خود در بالای ۶ درصد از طریق اصلاحات و گشایش بازار، فرصت‌های چشمگیری برای هر دو طرف به منظور تعمیق روابط اقتصادی خود در آینده وجود دارد.

با این حال، ورای تجارت کالا، بسیاری از حوزه‌های تعامل اقتصادی از جمله تجارت خدمات، سطوح سرمایه‌گذاری خارجی، همکاری در نوآوری صنعتی و تکنولوژیکی و یکپارچگی بازار مالی هنوز به اندازه کافی توسعه نیافته است. واردات خدمات توسط چین بین سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۵ سالانه با نرخی بیش از ۲۵ درصد رشد نمود و مازاد تجاری اتحادیه اروپا با چین از سال ۲۰۱۰ به طور میانگین سالانه ۳۷ درصد رشد نمود تا در سال ۲۰۱۵ به ۱۱ میلیارد یورو رسید. حجم موجود تجمعی سرمایه‌گذاری‌های مستقیم اتحادیه اروپا و چین در یکدیگر، وزن کلی آن‌ها را در اقتصاد جهانی یا شدت تجارت آن‌ها را منعکس نمی‌کند. در سال ۲۰۱۵، حجم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی اتحادیه اروپا در سرزمین اصلی چین (شامل هنگ‌کنگ نمی‌گردد) حدود ۱۶۸ میلیارد یورو و سرمایه‌گذاری سرزمین اصلی چین در اتحادیه اروپا تنها ۳۵ میلیارد یورو (۱۱۵ میلیارد یورو با لحاظ هنگ‌کنگ) بود، گرچه جریان‌های سرمایه‌گذاری چین به سمت اتحادیه اروپا در سال‌های اخیر به طور قابل توجهی رشد یافته است. در مقابل، حجم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی اتحادیه اروپا در ایالات متحده ۲.۶ تریلیون یورو و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ایالات متحده در اتحادیه اروپا ۲.۴ تریلیون یورو بوده است. این حجم پایین سرمایه‌گذاری نشان می‌دهد که فضای زیادی برای افزایش قابل توجه سرمایه‌گذاری در هر دو جهت در سال‌ها و دهه‌های پیش رو وجود دارد.

افزایش مصرف چین به خصوص در بخش خدمات، پتانسیل ایجاد بازاری جدید برای کسب‌وکارهای اروپایی را دارد، درحالی‌که افزایش سرمایه‌گذاری چین در اتحادیه اروپا، علاوه بر افزایش تولید ناخالص داخلی و اشتغال اتحادیه اروپا، باعث بهبود رقابت‌پذیری جهانی شرکت‌های چینی نیز می‌گردد.

با این حال، ارتقای روابط اقتصادی اتحادیه اروپا چین به سمت یک مشارکت راهبردی واقعی مورد انتظار رهبران اروپایی و چینی، مستلزم تلاش بیشتر از ناحیه طرفین است. از یک سو، بسیاری از صاحبان کسب‌وکارهای اروپایی، شرکت‌های چینی را به عنوان منشأ رقابت نابرابر هم در بازارهای چین و هم بازارهای اتحادیه اروپا می‌پندارند. از سوی دیگر، شرکت‌های چینی این نگرانی را دارند که اتحادیه اروپا ابزارهای سیاستی همچون سیاست‌های ضد دامپینگ و حقوق گمرکی جبرانی را علیه آن‌ها اعمال نماید که در چین، ناعادلانه قلمداد می‌شوند. علاوه بر این، رهبران اتحادیه اروپا سرگرم یک برنامه سیاستی کامل، از اصلاحات منطقه یورو تا مذاکرات خروج انگلستان از اتحادیه اروپا، هستند.

چین نیز در میانه یک تحول اقتصادی پیچیده است. تغییرات ساختاری در اقتصاد و نرخ‌های کندتر رشد چین، چالش‌هایی را برای فعالیت شرکت‌های اروپایی و چینی در این کشور ایجاد می‌کند. اثر فناوری‌های نوین و نوآوری احتمالاً باعث تشدید اختلال در مدل‌های جاری کسب‌وکار شده و فرصت‌های اقتصادی جدیدی ایجاد می‌کند. در این شرایط، تفاوت‌ها

در نقش دولت در اقتصادهایشان بدین معناست که مدل‌های اقتصادی اروپایی و چینی احتمالاً در آینده قابل پیش‌بینی، هم‌گرا نمی‌شوند. تفاوت‌های چشمگیر بین سیستم‌های سیاسی و اقتصادی اتحادیه اروپا و چین هم به چالش‌های تعمیق روابط اقتصادی دوجانبه آنها افزوده می‌شود.

برای مطالعه و دریافت متن کامل این مقاله، روی لینک زیر کلیک کنید.